

زمینه‌های تحول در حوزه‌های علمیه در دنیای معاصر

آیت‌الله علیرضا اعرافی*

اشاره

متن پیش‌رو سخنان حضرت آیت‌الله علیرضا اعرافی، به مناسبت آئین اختتامیه دومین جشنواره پاسخ برتر است. در این اختتامیه که در آغاز با پیام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی شروع و با تقدیر از بخش چهره‌های برتر از حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی، حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی تقدیر و به پایان رسید.

مقدمه

در جمع ما خطبا، وعاظ، محققان و پژوهشگران عزیزی هستند که در صحنه هدایت جامعه مؤثر هستند. عمده‌ترین هدف این جشنواره، تقدیر از کسانی است که به پاسخگویی تقید دارند و عزلت و انزوای کار علمی را ترجیح ندادند بلکه کار علمی را به میدان تبیین و تبلیغ و به‌ویژه گره‌گشایی عقده‌های ذهنی جامعه و بویژه نسل جوان گره

*. عضو مجلس خبرگان رهبری و مدیر محترم حوزه‌های علمیه کشور. این متن گزیده‌ای است از سخنان ایشان در آئین اختتامیه دومین جشنواره برتر که از سوی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) در سالن همایش‌های امین مرکز مدیریت حوزه در مورخ ۲۳ آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ برگزار شد.

زدند، این پیام اصلی این جشنواره است. این جشنواره می‌گوید راه و رسم حوزه و خط مشی حرکت حوزه باید به‌گونه‌ای باشد که کانون‌های علم و تدریس و پژوهش و اندیشه‌ورزی را به کانون‌های تبیین و تبلیغ پیوند دهد، این رسالت ما است. این جشنواره هم به نوبه خود سعی می‌کند، از همه مراکز و مؤسسات و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی حوزوی حاضر در این میدان بزرگ جهاد تبیین و تبلیغ و پاسخ به نیازها و پرسش‌ها و شبهه‌ها، تکریم کند.

نکته اول: پیوند علوم دینی با نیازهای روز

یکی اینکه ما اگر در یک قرن اخیر پانزده تا شخصیت تراز اول را در نظر بگیریم و این‌ها در جریان تاریخ حوزه نبودند، خیلی دنیا فرق می‌کرد، شما علامه طباطبائی، که ایام بزرگداشت ایشان نزدیک است، تا امام، امام یکی از پاسخگویان به شبهه‌ها است، کشف الأسرار ایشان یک کتاب در گره‌گشایی از یک شبهه‌ای بود که به نگارش درآمد، شش ماه ایشان درس خودش را تعطیل کرد و کشف الأسرار را نوشت، با اینکه استاد برجسته حوزه بودند، دیدند یک خلأی وجود دارد، باید شش ماه درس را کنار بگذارند و به آن جواب بدهد، تا شهید مطهری، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله جوادی تا آیت‌الله شهید صدر در نجف و جمعی، شاید بیست یا سی تا در قله داریم عالمانی که اگر نبودند معضلات فکری بیشتر بود و شاید جریان جامعه هم طور دیگری رقم می‌خورد و به سمت دین‌داری به اندازه امروز حرکت نمی‌کرد.

ویژگی این مجموعه این است که تعهد به زمان خودشان دارند، آشنا با جریان‌ات فکری و معرفتی دنیای خود هستند و وارد میدان گفتگو با نسل و فرهنگ امروز و شناخت گره‌ها و تلاش برای گشودن آن گره‌ها شدند، این‌ها ویژگی‌هایی است که در همه نیست، همه روحانیت نور است، همه کارهای علمی تحقیقی، تدریس تدرّس، این‌ها همه بنیان‌های علم و دانش حوزه است، تمام این‌ها هم ارزش دارد، در همه قلمروهای علوم اسلامی را، باید هم عمق به روش درست و منهج صحیح را ادامه بدهیم و هم گسترش بدهیم مرزهای علوم اسلامی از فقه و کلام و فلسفه و حدیث و تفسیر و تمام شعبی که بوده است و امروز هم دامنه دارتر شده است. اما یک رویکرد می‌تواند به همه این‌ها شکل دیگری بدهد.

رویکرد چیست؟ رویکرد شناخت زمانه و پیاده کردن این معارف در بستر و فرهنگ زمان است، این پیاده‌سازی، این رویکرد همه آن‌ها را مقداری معنادارتر، پر جلوه و مؤثر می‌کند. البته این نکته مهم است که وقتی به متن میدان آمدیم، مشکل را شناختیم و تلاش کردیم تا پاسخ دهیم، این آمدن به میدان آن ذخائر و بنیادها را هم تقویت می‌کند، این داد و ستد میدان تبلیغ و تبیین با آن میدان بررسی و پژوهش است، همه پژوهشگران این را باید بدانند که اگر ملاصدرا نظریه‌های بزرگ آورد حتماً در زمان مواجه با یک واقعیت‌هایی شده است که آن‌ها را آورده است، شیخ مفید و شیخ طوسی و شیخ انصاری و دیگران هم همین‌طور هستند.

بنابراین اولین وظیفه ما این است آن رویکرد تبیینی، پاسخگویی و نقش‌آفرینی در میدان عمل را داشته باشیم، این رویکرد بر همه علوم ما، و تمام دانش‌های حوزوی و اسلامی چتر می‌افکند. اگر این رویکرد بر آن‌ها سایه بیفکند همه زنده می‌شوند و با پرسش‌های جدید، گره‌ها را باز می‌کنند و نور دیگری پیدا می‌شود. وقتی عالمان بخواهند مرزبانان و هادیان امت باشند، این نگاه جدید می‌تواند آن‌ها را به انجام وظیفه خودشان موفق کند.

نکته دوم: توسعه علوم حوزوی با رویکرد ناظر به میدان نیاز جامعه

این نگاه میدانی، حضور در قلمرو پاسخ دادن، شناخت مشکلات یک بازتاب بسیار مهمی دارد بر حوزه تحقیق و پژوهش؛ یعنی تحقیق‌ها و پژوهش‌ها عمق و گسترش پیدا می‌کنند. گسترش علوم اسلامی از صدر اسلام، از دوره بعد از حضور در زمان غیبت، شکل‌گیری حوزه‌های علمیه به این معنای امروزی، گسترش حوزه‌ها و علوم اسلامی در شعاع مواجهه با واقعیت‌های خارجی بوده است، می‌گوییم موضوع را می‌شناسیم، مواجهه با حقائق خارجی می‌شوید، آن موضوع شما را تکان می‌دهد، ذهن شما را هم بازتر می‌کند، علم را هم توسعه می‌دهد.

بنابراین رویکرد میدانی و تبیین در صحنه و رفتن در عمق ذهن و ضمیر جامعه و جوان برای شناخت مسئله و معالجه مسئله و حل مشکل نیز وظیفه ذاتی است برای انجام آن هدایت و هم اینکه کمک می‌کند علوم ما گسترش پیدا کند، فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث و معارف ما در علوم اسلامی همه با این پرسش‌ها غنا پیدا می‌کنند و این

یکی از رازهای تطوّر در علوم است. لذا آنچه که باید انتظار داشت این است که مؤسسات علمی و پژوهشی، درس‌ها و کلاس‌های علمی و تحقیقی حوزه و همه نظامات علمی حوزه این رویکرد ناظر به میدان را پیدا کنند، این رویکرد ناظر به میدان نیاز جامعه هم خدمتی به جامعه و نسل امروز و آیندگان و انجام وظیفه الهی است و هم اینکه از آن بازخوردی منعکس می‌شود و علوم ما را هم هدفمندانه و واقع بینانه توسعه می‌دهد، این نکته‌ای بسیار مهم است، ما در تبیین فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری در حوزه تبلیغ، یکی از محورهایی که در طراحی‌هایی که دوستان کار می‌کنند مورد تأکید است این است که نظامات آموزشی، پژوهشی، درس و تدریس و این‌ها همه باید دست‌مايه و دروغ‌مايه تبلیغ و تبیین و پاسخ به سؤال و البته در قله آن پاسخ به شبهه باشد که مستحضرید پاسخ به شبهه یعنی یک مطلبی که گره افکننده است بر ذهن‌ها، جلوی دین‌داری، معنویت و پیشرفت معنوی و اخلاقی را گرفته است، باز کردن آن یک چیزی عمیق‌تر از این است که حالا سؤال دارد و جواب می‌دهید. خب همه آن‌ها این رویکرد را باید داشته باشند.

نکته سوم: لزوم شناخت رسانه‌های فضای مجازی

نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد شناخت فرهنگ و فضا و و محیط رسانه‌های نو و فضای مجازی است. حالا جامعه‌شناس‌ها و تحلیلگرها راجع به محیط فضای مجازی کارها کردند، خیلی کار می‌کنند. نکته اصلی این است که تا قبل از فضای مجازی ما یک محیط رسانه و فضای رسانه داشتیم ولی آن فضا تابعی بطور واضح از واقعیت‌های خارجی بود اما این گستره‌ای که فضای مجازی پیدا کرده است، یک دنیای جدیدی را خلق کرده است، یک محیط اجتماعی نو را آفریده است، یک فضای تازه‌ای را شکل داده است که این محیط گاهی بسیار بیشتر از محیط خارجی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت‌ها مؤثر است. این دنیای جدید است، فضای رسانه و این‌ها هم همین‌طور هستند منتها امروز تبدیل شده است به محیط نو و یک محیط تازه‌ای داریم، این محیط نو با سرعت گره می‌خورد با هوش مصنوعی و امثال این‌ها، فناوری‌های سطح بالاتر.

این ترکیب رسانه و اینترنت و هوش مصنوعی دنیای جدیدی را به وجود آورده است و در حال پیشرفت است، مهم این است که این دنیا یک محیط تازه است. شما گاهی در همین

مسائل اجتماعی می‌بینید بچه‌هایی که در آن دنیا زندگی می‌کنند وقتی آن را کنار می‌گذارند و به دنیای خارجی می‌آیند اینجا یک چیز دیگری است، این دنیای جدید سؤال‌های نو، پرسش‌های دشوار و شبهه‌های گسترده دارد. محیطی که فرد در آن محیط اینطور رشد پیدا می‌کند، این حرف تازه‌ای است. پاسخگویی به شبهه امروز اگر بخواهد موفق شود و بویژه حرکت تهاجمی داشته باشد باید آن فضا را ببینید و بشناسد این محیط مجازی جدید یک محیط اجتماعی نو است با محاسن و معایب خودش، محاسن فراوان دارد در جای خودش، ما باید از همه آن خوبی‌ها استفاده کنیم و معایبی دارد. عیب آن این است که اگر کسی به آنجا برود یک حالت ایزوله شدن به او دست می‌دهد، انقطاع از واقعیت‌ها به او دست می‌دهد، ضمن اینکه آن محیط تا الان که ما اینجا نشستیم هشتاد نود درصد از آن دست تمدن غربی، فرهنگ و بیگانگان از منطق و فهم الهی است. حوزه و عالمان دین باید این محیط را تحلیل کنند و بشناسند، بدانیم محاسن و معایب و شیوه‌های حضور در آن محیط را و اصلاح آن محیط برای رفع مشکلاتی که به بعضی از آن‌ها در اینجا اشاره شد. این هم نکته‌ای است که نیازمند کار بیشتر همه ما است و باید برای آن تلاش کنیم.

نکته چهارم: لزوم تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب

نکته دیگری را هم عرض کنم و آن اینکه بارها اشاره شده است، بزرگان ما هم فرمودند که تقابل اصلی ما در قصه انقلاب اسلامی یک تقابل گفتمانی است یعنی شاخص‌های مهم بنیادی تمدنی وجود دارد در گفتمان انقلاب اسلامی که برآمده از حوزه‌های علمیه است با آن تمدنی که در دنیا ساری و جاری است. این گفتمان ساری و جاری که از غرب ناشی می‌شود و ضمن اینکه محاسن خودش را هم دارد ولی می‌آید آن همه مشکل ایجاد می‌کند که یکی همین قساوتی است که امروز در اسرائیل و فلسطین اشغال شده می‌بینیم. اما بدتر از آن آشفتگی‌ای است که در دنیای علم و فرهنگ و سبک زندگی بوجود آورده است. این بنیاد باید شناخته شود، این بنیاد روی دانشگاه ما، فضای مجازی ما، علم ما، دانش ما، فلسفه ما، سبک زندگی ما، فناوری‌های ما، هنر ما، روی همه این‌ها تأثیرگذار است و شالوده این حوزه‌های مختلف است، شناخت آن مهم است، ما وقتی در حوزه می‌گوییم باید آن‌ها را بشناسیم خیلی باید وسواس داشته باشیم که نرویم در این شناخت غرق شویم و هضم

شویم، اصالت خودمان را حفظ کنیم ولی نمی‌توانیم این را نشناسیم، همان پیشگامانی که من عرض کردم در این یک قرن اخیر نقش بزرگی داشتند از قم تا نجف و مناطق دیگر، این ویژگی را داشتند که می‌فهمیدند چه اتفاقاتی در این لایه‌های بنیادین فکر و فرهنگ اتفاق می‌افتد. برای همین ما نیاز به این داریم که علم کلام در حوزه ده تا صد برابر رشد کند، با حفظ همان جایگاه فقاقت و این‌ها، علم کلام امروز ما پاسخگوی این دنیای پیچیده نیست، از کلام عقلی تا کلام نقلی، پایه‌های فلسفی آن تا برسد به مسائل نقلی.

عرایضی هم من در آنجا دارم و شما آگاه تر هستید، ما علم کلامی را امروز باید علوم کلامی بدانیم، یک خانواده علوم کلامی با شاخه‌های مختلف آن، کم و بیش در بعضی رشته‌ها و مسائل در آن درختواره به این توجه شده‌است ولی این قدم اول است واقعاً، این هم به نظرم بسیار مهم است. گسترش حوزه علوم کلامی؛ تا حدی هم به این مسئله در این طراحی‌ها توجه شده است ولی در میدان عمل خیلی کار می‌برد، ما باید روش عمیق اجتهادی و عقلی را در گسترش علوم کلامی بکار بگیریم، ضمن اینکه شیوه‌ها و روش‌ها را هم باید بسیار مهم بشماریم. بنابراین گسترش علوم کلامی ناظر به شبهه‌ها و پرسش‌ها و حل مشکلات و گسترش فناوری‌های تبلیغ و تبیین وظایفی است که بر دوش ما است.

مقدم همه خواهران و برادران و اساتید بزرگوار را گرامی می‌دارم، از همه مسئولان و فعالان برگزار کننده، دوستان شرکت کننده در این جشنواره تشکر می‌کنم و امیدوارم این جشنواره بتواند پیشرانی برای تحولات بیشتر و برای جهاد تبیین، تبلیغ جامع و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهه‌ها داشته باشد با آن نگاه تهاجمی و بین المللی، ما بسیاری از این‌ها را به جاهای دیگری ببریم و حتی اگر پاتک می‌کنیم به اعماق نقاط دیگری ببریم و آنجا جلوی هجوم‌های اندیشه‌های ناروا را بگیریم. خیلی عذرخواهی می‌کنم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»